

خبرهای کشور

سومین جلسه شب نشینی پرورش ۲۱

سخنرانی آقای دکتر صدیقی

موسیقی و نمایش

سومین جلسه سخنرانی پرورش افکار روز پنجشنبه نهم آبان ساعت شش و نیم در سالن در تالار دارالفنون تشکیل و برنامه زیر اجرا خواهد شد:

۱- سرود شاهنشاهی و سرود امید بوسیله

دانش آموزان هنرستان عالی موسیقی

۲- سخنرانی آقای دکتر عیسی صدیق

و ترس کل تبلیغات و انتشارات راجع پرورش افکار

۳- چند قطعه موسیقی بوسیله استادان

اداره موسیقی کشور

۴- نمایش آتشی بولر توسط هنر

جوانان هنریشکی

از طرف دبیر خانه کارت دعوت بنام

آقایان وزیران و نمایندگان و روسای ادارات

و سایر طبقات فرستاده شده است که در ساعت

شش بابانوان در جلسه شب نشینی حضور یابند

برای بدست آوردن

حد نصاب قطعی

برای بدست آوردن رکورد صحیح

و دقیق در مسابقه قهرمانی پنجاه کیلومتر مقرر

شده است مسابقه دوچرخه سواری بین آقای

مهندس تهران تبریزی از اسفهان و آقای خسروانی

از تهران در مسافت مزبور روز دوشنبه ۱۳

آبان تجدید شود اداره تربیت بدنی مقدمات

انجام این مسابقه را فراهم خواهد نمود که

حدنصاب صحیحی از مسابقه مزبور بدست آید

تأسیس دفتر پست

از تاریخ بیستم مهر ماه ۱۳۱۹ در یک

شهر از توابع زاهدان علاوه بر دفتر تلگراف

دفتر پست نیز تأسیس شده و نامه های پستی در

آن قطعه پذیرفته میشود

بودجه وزارت دادگستری

پیش از ظهر امروز کمیسیون بودجه با حضور آقای آهی وزیر دادگستری در مجلس تشکیل گردیده و بودجه آن وزارتخانه مطرح و مورد رسیدگی واقع گردید و در نتیجه بودجه تفصیلی وزارت دادگستری با اصلاحاتی که پیشنهاد شده بود مبلغ ۴۶۰۰۰۰۰۰ ریال تصویب و گزارش آن برای اجرا و ابلاغ تهیه و تقدیم گردید

تشکیل کمیسیون بودجه و فرهنگ

پیش از ظهر فردا کمیسیون بودجه و فرهنگ تراوا با حضور آقای وزیر فرهنگ در مجلس تشکیل خواهد شد تالارچه که اخیراً وزارت فرهنگ برای اصلاح قانون دانشگاه و تغییر پایه پزشکان بیمارستانها و دانشکده پزشکی تسلیم مجلس نموده است مطرح و مورد بررسی واقع شود

انتصابات وزارت کشور

در وزارت کشور انتصابات زیر بعمل

آمده است:

آقای مدیر نوری بسمت فرمانداری

لرستان

آقای سعید مجیدی بسمت فرمانداری اهواز

آقای رضی عمید بسمت ریاست اداره بازرسی

وزارت کشور

آقای محمدعلی رکنی بفرمانداری مشهد

آقای علی ظهیر بفرمانداری بوشهر

آقای دکتر جلالی بفرمانداری خرمشهر

آقای غلامحسین مفتاح بسمت شهر دار

اسفهان

بازگشت از اروپا

آقای دکتر احمد علی آبادی که مدت

هشت سال در نیویورک مشغول تکمیل تحصیلات

خود در علوم تربیتی و قضائی بودند اخیراً از

امریکا مراجعت و بتهران وارد شده اند



در کاخ ایض

والاحضرت همایونی ولایتعهد از کاخ ایض از گشت میفرمایند

مجمع همگانی سالیانه

شرکت سهامی نفت

ایران و انگلیس

۲۰ اوت ۱۹۴۰ برابر با

۲۹ مرداد ماه ۱۳۱۹

سخنرانی رئیس

بواسطه اوضاع غیرمادی گنوی خطابه

سالیانه اینجانب بعنوان سیدداران پیش از انقاد

مجمع همگانی سالیانه و در ضمن انتشار گزارش

و محاسبات شرکت منتشر میگردد بهمان دلیل

هم در ایراد این خطابه نسبت بسالیهای پیش

خیلی باختصار برگذار شده است و من یقین

دارم صاحبان سهام با این تغییرات موافقت

خواهند نمود

در خلال مدتی که از تاریخ انعقاد آخرین

مجمع سالیانه سپری شده شرکت با ضمیمه بزرگ

اسف آوری مواجه گردیده و آن در گذشت

سرمیس بارز بوده است این شخص از

تاریخ تشکیل شرکت پیوسته در هیئت مدیره

آن کارمندی داشته و از کسانی بوده است

که شرکت نامه را امضاء نمودند از اینرو

اکنون که دوره طولانی همکاری وی پس

آمده همقطارش که همگی احترام زیاد و

میگذارند و کارهای بر جسته او همواره

مورد شگفت و تحسین آنان بوده سخت متاثر

شده اند

در پایان سال ۱۹۳۹ آقای جان کلارک

منشی شرکت پس از ۲۱ سال خدمت صادقانه

از کار کناره گیری کرد و کارمندان هیئت

مدیره و همه همکارانش از خدا خواستار شدند

که دوره باز نشستی او رسالایان درازترین

خوشی و سعادت ساز

محاسبات

در مجمع بار سال اشاره شد باینکه اوضاع

بین المللی و عوامل تا مساعد دیگر صناعات

نفت را دچار وضعیت نامطلوبی نموده است از

آن تاریخ پیمد بر و خاتم اوضاع همواره

افزوده شده و اثرات شدیدی بر بازار گازی و سود

بردار از آن گذارده است هر چند منافعی که

در ظرف سال بدست آمده آقدر بوده است که

شرکت بتواند مبلغ مختصری بعنوان سود نهایی

سهام بخش نماید لکن صاحبان سهام البته

تصدیق خواهند نمود که در یک چنین

روزگاری مانند امروز حفظ منابع شرکت

ضروری است

اکنون می پردازیم بپاره ای توضیحات در

خبر زیر از وزارت دربار شاهنشاهی اعلام شده است
از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نشان
خورشید و حمایل آن که اختصاص بخاندان
جلیل سلطنتی دارند بوالاحضرت همایون فوزیه
پهلوی اعطاء گردیده است

از بندر پهلوی - ۸ آبان

تلگراف مخبر اعزامی اداره

گزارش آقای وزیر راه

هنگام آئین بکار افتادن کشتی شن کش مازندران

دو ساعت و نیم بعد از ظهر دیروز
آئین بکار افتادن کشتی شن کش مازندران با
حضور آقای وزیر راه و آقای مهندس دولنداد
و رئیس اداره کل بنادر و فرماندار کیلان و روسای
اداره ها و جمعیت زیادی از اهالی در سرسره
بندر پهلوی انجام شد ابتدا آقای وزیر راه
گزارش مبسوطی راجع بخریداری و نصب
و ظرفیت این کشتی و بار کش های آن شرح
زیر ایراد نمودند

مقن گزارش آقای وزیر راه

کشور شاهنشاهی ایران در دریای خزر
دارای چندین بندر مهم است که از چند سال
پیش ساخته شده و مورد بهره برداری قرار
گرفته است و موقعیکه بر حسب فرمان مبارک
حضرت همایون شاهنشاهی بساختن بندر
بزرگ نوشهر از طرف وزارت راه اقدام شد
این مطلب بنظر رسید که برای پاک کردن
حوض های متعدد بنادر موجود و همچنین بندر
هایی که احداث آنها در برنامه وزارت راه
منظور گردیده بکار بردن کشتیهای لاروب
بظرفیت های بزرگ در اختیار اداره بنادر بود
کافی نبوده و کشتی لاروب بزرگی که کلیه
احتیاجات بنادر متعدد در پای ایران را رفع
نماید بایسته بود مخصوصاً که عمل لاروبی
مرداب پهلوی که بزرگترین مرکز صیادی
ایران است نیز میبایستی تأمین گردد

برای تأمین این منظور از مهرماه ۱۳۱۴
با شرکت کشتی سازی آلمانی شیخان که
مرکز آن در آلبینک است و در ساختن کشتیهای
شکنش معروفیت جهانی دارد قرار داد برای
خرید یک کشتی شکنش بزرگ که نیروی کار آن
یکهزار متر مکعب در ساعت است و مقدور میباشد نمود
معلقات کشتی نامبرده عبارت از چهار باربر
هر یک بظرفیت چهارصد متر مکعب و یک کشتی
یدک کش بوقه ششصد اسب میباشد

در قرار داد منعقد با کمپانی شیخان
وزارت راه متعهد گردیده بود که در بندر پهلوی
کنار مرداب حوض شکنشی احداث نماید که
کارمندان فنی کارخانه بتوانند قطعات کشتی
را در حوض نامبرده سوار نموده و پس از اتمام
سوار کردن آن و اتصال حوض بدرباری آزاد
وارد دریا شود ولی در نتیجه آزمایشها و گمانه
های زیر زمینی که بمقتیبت متر در نقاط
محدود مرداب زده شده معلوم گردید
بواسطه خصوصیات جنس زمین که مرکب
از ماسه فوق العاده نرم و لجن میباشد
ساختمان حوض نامبرده امکان پذیر نبوده
و وزارت راه ناچار است بطریقه دیگری برای
سوار کردن کشتی انتخاب و با سرعت وقت
انجام دهد باینجهت ساختمان سرسره که ظرفیت
و استقامت ساختمان کشتی بزرگی را داشته
باشد مورد توجه و بررسی قرار گرفته و پس
از تبادل نظر فنی و مشورت با یکی از بزرگترین
کارشناسان فنی (آقای دکتر لومایر مدیر سابق
بندر هامبورگ) ساختمان سرسره موجود فعلی
پرو مناقصه و دعوت از کمپانیهای متخصص
بشرکت ساختمانی بولیوس برگر واکزار
گردید که در آن زحمت و جدیت کمپانی
مزبور ساختمان آن که یکسای از مشکلات
ساختمانیهای دریائی از نوع خود میباشد انجام
گردید بطوریکه متخصصین کارخانه فروشنده
لاروب توانستند در مهر ماه ۱۳۱۷ اولین
قطعات لاروب را بروی سرسره آورده و شروع
بسوار کردن نمایند مشکلات انجام عمل بسیار
بود که خوشبختانه نظر بجدیت و اهتمام
متخصصین کارخانه مخصوصاً آقای سرمهندس
پوکاشینیک و فراهم نمودن کلیه وسایل کار
از طرف وزارت راه سوار کردن اسکله کشتی
در تاریخ ۱۸ آذر ماه ۱۳۱۸ تمام شده
و بایست انداخته شد و از آن تاریخ بعد نیز کلیه



رژه دختران از پیشگاه والاحضرت همایونی ولایتعهد



آتشگاه و ساختمانهای تازه استخر ورزشگاه جدید



بک منظره از ورزشگاه در روز جشن

پرورش

در نظر ملل متمدن قدیم
یونان - رم - ایران

بعضی مسائل در عالم اجتماع هست که فقط یکبار باید گفت یا نوشت و تکرار آن موضوعی ندارد ولی بسیاری از مطالب هم هست که هر چه بیشتر بگوئیم و بنویسیم باز هم برای بحث در اطراف آن مجال هست بلکه هر چه بیشتر در پیرامون آن سخن بگوئیم و چیز بنویسیم همیشه بیشتر آشکار میشود.

موضوع پرورش که مقصود از آن تربیت است یکی از این مباحث میباشد. تاکنون چقدر در اطراف این موضوع کتاب نوشته شده و چه اندازه نویسندگان سخن گفته، خطابه خوانده و مقاله نوشته اند با وجود این همه آنها اعتراف دارند که اهمیت امر بیشتر از اینها است و باز باید در اصول پرورش دقیق شد و کنجکاری نمود و نتوانستش را رفع کرد.

معلوم نیست تاریخچه پرورش انسان از کی و کجا شروع میشود آنچه مسلم می باشد این است که از روزگار قدیم ملل متمن همیشه آن را مورد توجه قرار داده و باقتضای وقت در پیرامونش بحث و کنجکاری کرده اند.

در روزگار قدیم سه ملت متمن پیش از سایر ملل پرورش افراد توجه داشتند و هر یک از این سه ملت باقتضای محیط آب و هوا و اوضاع جغرافیائی کشور خویش باین امر مهم توجه مینمودند.

این سه ملت عبارتند از یونان، رم، ایران.

اگر بخواهیم تاریخ پرورش افراد را در یونان تفصیل شرح دهیم باید دانستند آن سرزمین را یکایک هل کنیم حوصله مقاله وفا نمیکند و شاید یک کتاب بزرگ هم نتواند حق آن را ادا نماید.

در اینجا همین قدر باید گفت که بسیاری از حکیمان بزرگ یونان مانند سقراط، ارسطو، گزنفون برای تربیت افراد زحمت زیادی کشیده و هر یک سعی کرده اند از افراد کشور و هم مینان خویش رهنمائی کنند.

غالب متفکرین و فلاسفه یونان در پرورش افراد جنبه عملی را بر نظری ترجیح داده و سعی داشته اند جوانان یونان را براه راست رهبری کنند و آنان را برای زندگی مطابق با قانون عقل آماده سازند.

درم بیشتر توجه پیشروان و زحمای ملت بر این بوده که جوانان را تندرست و نیرومند بار یاورند تا بتوانند وظایف خود را در میدان زندگی بطوری که شایسته است انجام دهند.

هر چند پرورش روحی افراد هم از نظر دور نبوده ولی میتوان گفت آن جنبه که به پرورش یکس جوانان میشده پرورش روحشان نمیشد است.

شاید بتوان گفت که ایرانیان قدیم بهتر از ملل دیگر این معمارا حل کرده و با اعتدالی که نتیجه ذوق سلیم آنها بوده است در تمام مراحل پرورش عملی و نظری جسمی و روحی توجه کامل داشته اند.

ایرانیان قدیم از یک طرف در اصول پرورش دارای نظریات عالی و عمیق بوده و از طرفی با دستورهای عملی جوانان را برای رزم و پرورش میداده اند.

شاید بتوان گفت که یونان نیز از پرورش پرورش ایرانیان تعریف کرده و اصول پرورش این ملت با هوش و خردمند را ستوده اند.

یکی از دو زحمت یونان میگوید:

ایرانیان قدیم بطوری فرزندان خود را پرورش میدادند که در همه حال برای زندگی شایسته بودند. در میدان رزم قدرت و سلحشوری و رزم آوری خود را آشکار ساخته و در عرصه بزم موب، لطیفه گو، ظریف، خوش اخلاق بودند.

بروگترین هنر ایرانیان این بوده است که افراد ایرانی را لایق پرورش میدادند که در نواحی مختلف زندگی بیروزمند کردند، بدینی است که این نوع تربیت نتیجه ذوق سلیم و عقل و اندیشه کامل آنها بوده است و کره خیلی دشوار است که یک فرد دارای این همه تعاضات و صفات نیک بوده باشد.

یکی دیگر از نویسندگان خارجی جوانان ایران باستان را این گونه میستاید:

جوانان ایران باستان همه را استوار، نیک، فنار، پاک نهاد بودند، از بدبها روگردان بوده رفتار بد را شایسته بیرون اهرسین دانستند و برای تأمین بزدان جز کردار و رفتار و بندها پاک چیزی را شایسته نمیدانستند.

هر مرد ایرانی بوفای عهد پاینده بود و بیمن شکنی را در خود شرافت و بزرگواری خود نمیدانست.

هیچوقت دروغ نیکفت و چنانچه حریف بر زبانش جاری میشد کوشش میکرد بدان

ستون آزاد

هدف

هر سعادتمند بر روی کسانی لیکنده خواهد زد که همواره برای مقصود معینی می کوشند و در راه وصول بیک نتیجه قطعی کام میزنند. آنانکه بدون هیچ مقصود و مرایی زندگی بسر می برند در دم و ابسین چون بچشم انداز دوران حیات سیری شده خود بنگرند جز بگرشته کارهای بی نتیجه و ناتمام چیزی در دفتر زندگی فرو نخواهند خوانند و با کمال تأسف اقرار خواهند کرد که بیهوده نقد عمر باخته اند و اینکه آن همه کوششها جوی بهره در کف ندارند.

داشتن هدف معینی در زندگی از آن نیز هائی است که از ائتلاف نیرو جلو گیری می کند - کسی که «هدفی» ندارد چون کشتی بی ناخدائی است که بدون بدست آوردن کوچک ترین نتیجه ای در دریا حیران و سرگردان خواهد ماند «هدف» چون چراغ راهنمایی است که ما را همواره امیدوار و خرم نگاه میدارد و ما را مجبور میکند که هرا حظه نظر بر اقله مقصود داشته باشیم.

بسیاری از جوانان که چشم بسته را میزند گاهی رامی بینند قدمهای نخستین را نیز در این راه با ارزش و تردید و بی فکری بر میدارند - در سر هر مسئله کوچکی دودل و سرگشته میمانند. این تردید تادم و ابسین با آنان همراه و رفیق است. هر وقت بخواهند روی آسایش ببینند چون نقطه اکتائی در زندگی ندارند جریان حوادث آنان را از خوشبختی و زیبایی جدا می سازد و باز ایشان را بسوی سرنوشت مبهم و تاریکی که در پیش دارند میکشاند راستی اگر از این همه کششها و کوششها مرای نداشته باشیم و این سختکشی و رنجها باسایش و راحت

قطعی و حتمی منتهی نشود زندگی جز یک دوره بازرنج و مشقت و ناکامی نخواهد بود آنهم رنج و مشقتی که پایانی بر آن جز مرگ نمیتوان قائل شد.

چه بسیارند کسانی که تادم پیری نیز راه و روش در زندگی برای خود مشخص نکرده اند. گاهی در صورت بازرگان، زمانی در جامه پیشه ور، هنگامی بنام آموزگار و مدتی هم با حال یکبارگی روزگار میگردانند - بالاخره از همه جا و از همه چیز مایوس و دلسرد با حالت خست و نومید از جهان دست میکشیند و با حیرت و یاس دینار زندان سیاه و جایگاه رنجها و بلاهای بینند.

بر کسی آنانکه از روی قشقه معین و مشخص حرکت میکنند، چون افق نظرشان بالاتر و به ناورتن از آن است که بتواند کوچکی اختیاری قائل شوند لذا هر روزی که می گذرد آنان را یک قدم دیگر «به هدف» نزدیکتر می سازد - این اشخاص بهین علیت هر لحظه امید و اتر و نسبت به کار خود علاقمند تر می گردند.

تردید دشمن کامیابی است اگر کسی را دیدید که با داشتن استعداد و نیروی کار در زندگی از همه کنان خویش عقب مانده و نتوانسته است از استعداد خدا دادی خود بیشینه استفاده رابرد - بقتن بدانید که در زندگی هدفی نداشته است.

بیشتر ناکامیها و نومید های ما از آتجاست که در همان حال که هیچ مقصد معینی نداریم و با اصطلاح دیگر هیچ چیز نمی خواهیم طالب تمام خوشبختیها و زیباییهای که در هر کجتر حیات می بینیم نیز هستیم.

یک نقشه مرتب اگر بایست کار و قدمهای خستکی را بپذیری تعجب شود آینده درخشانی در پی خواهد داشت

م. حمید «نظقی»

داستان

فرخنده هیچدهمین مرحله عمر خود را طی میکرد، در این هیچده سال پرنرنگ که لذت خوشی و شادمانی را نچشیده و از محبت مادری و سرپرستی پدر محروم بود روح او زهره و قشربان زانمهربانی و خنوت نامادریش افسرده بود.

هر چند فرخنده بی پدر نبود و پدرش حیات داشت ولی در مقابل همسر تازه خود که اندک تمولی داشت جرأت جری زدن را هم نداشت او مردی پول برست و والقی بود و باین ترتیب دختر خود را قربانی هوی و هوسهای خود نموده و حیات او را بدست خویش ضایع ساخته بود.

همیشه او را مانع خوشبختی همسر جدیدش میداند.

فرخنده تمام این ناملایمات را در مقابل عشق و افری که بتحصیل داشت تحمل کرده و بهترین اوقات خود را در دبیرستان میگذراند ولی پاچه ذلت و خواری و... و سائل تحصیلی فراهم نبود، چون نامادریش با تحصیل کردن فرخنده موافق نبود و می گفت فخر خنده باید عهده دار کارهای خانه بشود. ولی فرخنده که متعاه خوشی و شادمانی اش همین تحصیل بود راضی بانکار نمیشد و نهایت صراحتی را در بکار بردن لوازم تحصیل خود میکرد تا کمتر از نامادریش درخواست کند.

یک هفته تمام بود که فرخنده بدون کتاب سر درس حاضر میشد و دبیر برای پنجمین بار از او بازخواست میکرد و میگفت اگر این بار بدون کتاب باقی سر درس نباید بمانی.

فرخنده که همتی بلند داشت هر چه خواست خود را راضی کند و علت آنرا بدبیر این را نماید توانست آنروز با جثمان اشکبار نزد نامادری خود رفته و از او درخواست مختصر و جوی برای کتاب نمود و او را و مانند همیشه با تند فرخنده را از نزد خود رانده و جوی اظهار داشت اگر دیگر بدبیرستان بروی چنین و چنان خواهی کرد.

آنک را فرخنده، ناصح یدبختی و سیه روزی خود گرفت و با روح مادر خود را از و باز نمود. از فردا تا یک هفته بدبیرستان رفت ولی در عرض این هفت روز یکبار هم نصحت بلکه با کارهای دست دوزی توانست که کتاب و لوازم دبیرستان را خود تهیه نماید ولی این عمل فرخنده که او را از نامادریش بی نیاز میساخت آتش خشم او را دامن زد و او که تا پیش از این در پیش در دل گرفت تصور میکرد با این ترتیب فرخنده دیگر نخواهد توانست بتحصیل خود ادامه دهد ولی او نمیدانست که عشق بتحصیل و احساسات درونی فرخنده تمام این موانع را از پیش برداشته او را بر بقصود نزدیک خواهد کرد. از این پس فرخنده بهر ترتیبی بود با دستور خود و سائل تحصیل خویش را فراهم میکرد و از زیر بار منت نامادری کینه توز و بدبیر نامهربان پول برست خود رهایی یافت.

فرخنده سال پنجم دبیرستان را میگذراند و چون دو ماه دیگر بیشتر با محتاجات نهائی باقی نمانده بود با جدیت زیادی کار میکرد بطوریکه هم درس خود را حاضر میکرد و هم نمیدانست نامادریش از تنبلی او در خانه بماندای پیدا کرده آزارش برساند و برای این منظور دروس خود را فقط در دبیرستان حاضر میکرد و اوقات دیگر را بکارهای خانه داری صرف میکرد.

فرخنده شهای نزدیک با محتاجات را هیچ نمیخواست و با صاحب مشغول درس خواندن بود چنانچه از شدت بیخوابی در مطالعه حالت طبیعی خود را از دست داده بود و ولی با تمام این

به داشت

رفتار نماید؛ در نظر جوانان ایران باستان هیچ چیز بدتر از دروغگوئی نبود زیرا دروغ را متانی سببیت و شرف و نشانه ضعف نفس و در ماندگی میدانست.

از کتابهایی که ایرانیان در پرورش نوشته و مباحثی که ضمن داستان سراسی و رهبری بشاره اخلاقی نیک بیان نموده اند نیز بخوبی آشکار میشود که تا چه اندازه در این راه صاحب نظر بوده اند.

هر چند از آثار دوره باستانی ایران آثار زیادی بجا نمانده و هر چه بوده در موقع بروز حوادث از میان رفته ولی از شاهنامه فردوسی، بوستان سعدی، آثار خواجہ نصیر طوسی و آثار سایر بزرگان و دانشمندان ایران در دوره بعد از اسلام بخوبی آشکار است که تا چه اندازه این فن شریف در نظر ایرانیان اهمیت داشته و در آن ورزیده و روشن نظر بوده اند.

در پرورش نو هر یک از طبقات کودکان، جوانان، دختران و پسران باید بطرز خاصی پرورش شوند و در پرورش آنها قواعد خاصی رعایت شود و ما در این باب با نشر مقالات جداگانه ذهن خوانندگان را روشن خواهیم نمود.

اطلاعات

جامه سفید..؟

زحمتهای تحمل رنجها توانست در امتحانات موفق گردد.

تمام همدلرهای او شاد و خرم بمنزل میفرستادند موفقت خود را بدبیر و مادرشان بدهند ولی فرخنده با حیرت تمامی در حالی که بقی راه گلویش را گرفته بود بآنها می نگریست زیرا میدانست نه مادری دارد که او را با نوازشهای مادری پذیرفته و تشویق کند و نه پدر مهربانی دارد که از موفقت دخترش خشنود گردد.

هنگامیکه مدیر دبیرستان روزی و پخش خواهینامه را با اطلاع دانش آموزان رسانید همه از خوشحالی در پوست نمیگنجیدند و منتظر رسیدن آنروز بودند تا آنچه زحمات و کوششهای یازده سال خود را گرفته و بایند خواهینامه موفق شوند.

فرخنده از موفقت خود شاد بود ولی از طرف دیگر مانده بود که چگونه بابایه ای کهنه و مندرس خود در این چنین شرکت کند و حال آنکه همه میبایست آنروز بپوشاک سفیدی داشته باشند او از کجا می توانست این لباس را فراهم کند فرخنده هم مثل همه همکلاسه های خود بی نهایت آنروز داشت در این جشن شرکت نماید.

ناچار و بحکم اجبار با فردنی کج نزد نامادریش رفته و مطلب را بباری تمام برای او شرح داد ولی نامادری بدون مقدمه بنای داد و فریاد را گذارده و هیاهوئی بر پا کرد.

پدر فرخنده که در این موقع دست ولایتل بود از در خانه وارد شده بدون اینکه مطلب را بفهمد و با همسرش را از خنوت باز دارد شروع بکتان کردن دختر خود نمود چنانچه که او راگوشا سرخ شده بود خشم و غضب نیز بر آن علاوه شده و بکلی عقل خود را از دست داده بود.

یک مرتبه فرخنده بچهاره در زیر دستهای پدر امید این مرد والقی و خشی بکلی درمانده شده بود پدر نامهربان فرخنده را پرور از در خانه خارج کرد و هیچان زیادی داشت ولی توانست بکلی عقل خود را در دست کند.

فرخنده سر گردان که کالج آنروز های همین خود را و بران میدید او هم جواسرا از دست داده بدون آراجه و بدون اینکه جلوی خود را ببیند در خیابان روان بود.

فرخنده سر گردان که کالج آنروز های همین خود را و بران میدید او هم جواسرا از دست داده بدون آراجه و بدون اینکه جلوی خود را ببیند در خیابان روان بود.

فرخنده سر گردان که کالج آنروز های همین خود را و بران میدید او هم جواسرا از دست داده بدون آراجه و بدون اینکه جلوی خود را ببیند در خیابان روان بود.

فرخنده سر گردان که کالج آنروز های همین خود را و بران میدید او هم جواسرا از دست داده بدون آراجه و بدون اینکه جلوی خود را ببیند در خیابان روان بود.

فرخنده سر گردان که کالج آنروز های همین خود را و بران میدید او هم جواسرا از دست داده بدون آراجه و بدون اینکه جلوی خود را ببیند در خیابان روان بود.

فرخنده سر گردان که کالج آنروز های همین خود را و بران میدید او هم جواسرا از دست داده بدون آراجه و بدون اینکه جلوی خود را ببیند در خیابان روان بود.

فرخنده سر گردان که کالج آنروز های همین خود را و بران میدید او هم جواسرا از دست داده بدون آراجه و بدون اینکه جلوی خود را ببیند در خیابان روان بود.

فرخنده سر گردان که کالج آنروز های همین خود را و بران میدید او هم جواسرا از دست داده بدون آراجه و بدون اینکه جلوی خود را ببیند در خیابان روان بود.

فرخنده سر گردان که کالج آنروز های همین خود را و بران میدید او هم جواسرا از دست داده بدون آراجه و بدون اینکه جلوی خود را ببیند در خیابان روان بود.

فرخنده سر گردان که کالج آنروز های همین خود را و بران میدید او هم جواسرا از دست داده بدون آراجه و بدون اینکه جلوی خود را ببیند در خیابان روان بود.

فرخنده سر گردان که کالج آنروز های همین خود را و بران میدید او هم جواسرا از دست داده بدون آراجه و بدون اینکه جلوی خود را ببیند در خیابان روان بود.

فرخنده سر گردان که کالج آنروز های همین خود را و بران میدید او هم جواسرا از دست داده بدون آراجه و بدون اینکه جلوی خود را ببیند در خیابان روان بود.

فرخنده سر گردان که کالج آنروز های همین خود را و بران میدید او هم جواسرا از دست داده بدون آراجه و بدون اینکه جلوی خود را ببیند در خیابان روان بود.

درسینما ایران

بقلم: خبرنگار سینمایی اداره

مهمانخانه امپریال

فیلم «مهمانخانه امپریال» از فیلمهای جاسوسی و جنگی تازه کارخانه «پارامونت» میباشد که تا حدی با وقایع روز تناسب دارد، زیرا موضوع آن مربوط بجنب عالمگیر گذشته بوده و در آن وضعیت یک شهر مرزی در زمان جنگ تشریح میگردد، در این فیلم دو تن از هنرپیشگان نامی هالیوود شرکت دارند یکی ستاره زیبای ایتالیائی خانم «ایرا میرالدا» که دل «آناوارا شادسکی» لهستانی را بهنده دارد و با آنکه چندان زیبا نیست لیکن مهارت و هنر نمایش جلب توجه همگان را مینماید و دیگر جوان اول امریکائی «ری میلاند» که رل یکی از افسران نیروی آفریش را ایفا کرده دارد. از نظر موضوع باید صدیق کرد فیلم مهمانخانه امپریال فیلم متوسلین بشمار میرود، زیرا داستان آن چندان جذاب و جالب نیست و فقط هنرمندی هنرپیشگان و کارگردان آن رونقی بدین فیلم داده است. در صحنه های طولانی فیلم کوچکترین موضوعی برای خنده موجود نیست و به همین جهت زیاد در نظر تماشاگران خسته کننده جلوه گر میشود و حال آنکه در حقیقت اگر سعی میشد بعضی صحنه های تفریحی بدان علاوه گردد، فیلم خوبی از کار در میآمد. دیگر از نواقص این فیلم آنست که از آغاز تا انجام آن هنگام شب برداشته شده و با توجه متناظر تیره و تاریکی دارد. علاوه از شهر سوها که در مرز آفریش و روسیه در لهستان واقع شده جرمین مهمانخانه امپریال چیز دیگری دیده نمیشود، گویا شهر از همین مهمانخانه تشکیل شده، بسمیکه میتوان گفت این فیلم بنمایش بیشتر شایسته دارد تا فیلم سینما.

اما از نظر آرایش صحنه ها و تنظیم فیلم هیچ فنی ندارد و «راپرت فلوری» کارگردان نامی هالیوود متعاه زیر دست و مهر سویش را در همه این فیلم بکار برده است و از این جهت آنرا شاهکار کارخانه پارامونت میتوان خواند.

نتیجه اخلاقی پررنگی که از این فیلم گرفته میشود آنست که حاتی عافیت بپذیر خون رسیده و اشخاص فداکار و وظیفه شناس بالاخره شاهد خوشبختی را در آغوش خواهند کشید. لحاظ این نتیجه عالی باید فیلم مهمانخانه امپریال را از فیلمهای خوب بشمار آورد.

این فیلم در اصل باطنی زبان انگلیسی بوده لیکن اکنون بر گردان آن زبان فارسی با ترجمه کامل برسان فارسی نمایش داده میشود.

خلاصه فیلم

در سال ۱۹۱۵ روسها پس از شکست بهار بر سر مرزی «سوشا» واقع در لهستان دست می یابند باز مجبور میشوند در برابر حمله آفریشها عقب نشینی اختیار کنند، اما دیری نمیگذرد که نیروی آفریش مطلع میشود که روسها برای بار چهارم خیال حمله بدین شهر را دارند. ناگزیر عده ای را تحت نظر ستوان «اشکان» برای گشت اعزام میکنند تا از حقیقت قضیه آگاه گردند.

اشکان وقتی بجنگل خارج شهر میرسد ناگاهان مورد حمله پیشروان نیروی روسیه قرار گرفته و بهر طوری دست بسوی شهر میگیرد و خسته و ناتوان به مهمانخانه «امپریال» پناه میبرد. روسها پس از چند لحظه بهر راه یافته و یکباره به مهمانخانه میآیند و از صاحب آن جویای آن افسر آفریش میشوند؛ ولی وی اظهار میدارد که چنین شخصی را ندیده است.

در همین موقع آفریش اشکان بروی ستنی زنگ فشار میآورد و زنگ اطاق شماره ۱۴ صدا در میآید. صاحب مهمانخانه و آناوارا شادسکی که ب تازگی خدشتار شده است وارد اطاق میگردند. افسر آفریش آگاه میشود و خود را با بلیت او میرساند.

آنا که از دست هنرپیشگان سیار میباید برای اقامت از افسری که پیش از این در اطاق شماره ۱۴ منزل داشته و موجب خودکشی خواهرش شده، مغل خدمتکاری را در اینجا قبول نموده و لذا وقتی این افسر را در همان اطاق می بیند، بروشها مگان او را نشان میدهد؛ ولی اشکان پیش از آنکه دستگیر شود، از آن اطاق خارج میگردد.

ژنرال «دنگو» فرمانده نیروی روسیه پس از چند لحظه وارد شهر میشود و در مهمانخانه منزل میکند و در ضمن از آنا میخواهد تا بگوید که بهیچ وجه اشکان نیز که بهیچ وسیله ای نمیتواند خود را به نیروی آفریش برساند، مجبور میشود به عنوان یخچاندن در مهمانخانه امپریال مشغول کار گردد.

رفته رفته چون آنا در پی یاد که اشکان آن افسری نیست که موجب خودکشی خواهرش شده نسبت بدو ابراز صمیمیت و دوستی میکند و با یکدیگر قرار میگذارند شب عید نوال از آنجا قرار اختیار نمایند.

نیروی روسیه جاسوسی بنام «کوبرین» دارد که در ارتش آفریش درجه ستوانی داشته و بنام «پولانتین» عنوان گرفته میشود. وی پس از آنکه از نقشه حمله آفریشها آگاه میگردد، آنان را به نیروی روسیه اطلاع میدهد. ولی برای آنکه مورد سوء ظن اسر افایش قرار نگیرد، بعنوان افسر آفریشی فرد آنها اسیر میگردد. در شبی که اشکان و آنا میخواهند قرار اختیار کنند، افسر بهین برست وقتی از موضوع اسارت پولانتین آفریشی آگاه میشود، تصمیم میگیرد بهر طوری است او را نجات دهد؛ ولی هنگامی که بدین منظور باطاق وی میرود، از دهان

گوناگون

غذای مغز

بعضی از مردم تصور میکنند با خوردن بعضی غذاها می توانند بطور مستقیم مغز و دماغ خود را تقویت کنند در صورتیکه این عقیده کاملاً اشتباه است.

دماغ هم مانند سایر اعضای بدن بوسیله خونی که از مجاری و رگهای باریک میکندرتنقبه میکند و وضع مستقلی ندارد.

چیزی که هست غذا ها بیکه ماده فسفور در آن زیاد است و برای دماغ سودمند است و شاید بهین جهت در میان مردم شایع شده که ماهی هوش را یاد میکند زیرا در ماهی مقدار زیادی فسفور یافت میشود.

از این قسمت که گذشت دماغ هم مانند سایر اعضا بدن از غذاهای خوب و مفیدی بهره مند شده و تقویت میشود.

علت فشار خون

تاکنون علم طب نتوانسته است سبب واقعی زیادی فشار خون را معلوم کند ولی زوان شناسان معتقدند که علت فشار خون زیاد عوامل روحی است و باین طریق میخوانند فشار خون را بهرست دردهای روحی میفزایند.

اینها معتقدند که دشمنی، کینه، حسد و رشک و زینت و کراهت و نفرت از اشخاص باعث پیدایش فشار خون در اشخاص میشود. هینکه این صفات در شخص پیدا شده و نتوانست خود را از چنگ آن خلاص کند ناچار آثار آن در دل شخص متراکم شده عافیت مانند کوره آتش نشان پیش از انفجار تولید فشار میکند.

یکی از دانشمندان بوسیله دستگاههای علمی جدیدی این مسئله را ثابت کرده باین معنی که یک نفر را در مقابل دستگاه قرار داده و بوسیله آن درجه فشار خویش را معلوم نموده سپس در حالت خشم و غضب نیز میزان فشار خون او را سنجیده و در نتیجه معلوم نموده همیکه انسان خشمناک میشود درجه فشار خویش هم زیاد میشود همیکه خالص هادی آرام شد از درجه فشار خویش کاسته می گردد.

باین دلایل روانشناسان انتظار دارند که بتوانند بوسیله عوامل روحی و معنوی از فشار خون مبتلایان باین درد بکاهند.

درمان عقرب زده

میگویند نیش عقرب مهلك است این حرف تعجبی ندارد و حتی الامكان باید کسی را که عقرب زد با اقدامات جدی درمان نمود که دستور زیر نتیجه بهترین تجربیات کسی است که چندین سال تمام در خصوص آن آزمایش و تجربه کرده است.

کسی را که عقرب زده بواسطه معنوی وادار به «فی کردن» نمایند بطوریکه هر چه درمدهاش هست بر گرداند بویژه وقتی چپ های ترش و ساید غوره باشد سپس این عمل را تکرار نماید تا مدهاش خوب شست و شو گردد. آنوقت مقدار چهار تا شش با هشت باد تا دوازه قطره آمولیک خالص بدون هوا را بر حسب اینکه عقرب زده بچه، زن یا مرد باشد باو بخوراند. اگر اثر این دارو خیلی بطی باشد می توانید مقدار آمولیک را نصف کرده و یکساعت دیگر تکرار کنید ولی بخور می شود تجدید آن هیچوقت لزوم پیدا نکند.

تشخیص تخم مرغ تازه

هیچ چیز مثل تخم مرغ مانده و فاسد برای معده خطرناک نیست بنا بر این همیشه در خریدن تخم مرغ دقت زیادی مینویسد و برای این کار مقدار ۱۲۰۰ گرم یک قطعه در باهی را در صد گرم آب حل کرده تخم مرغ را در این محلول بیندازید.

تخم مرغ هائی که قورا به آب فرو رفت متعلق بهمان روز است تخم مرغیانی که تازه روز مانده اند هم سطح آب میایستند و بالاخره اگر سر آنها از سطح آب هم بالاتر ایستاد پنج روز مانده و مصرف آن کاملاً خطرناک است.

آن شخص حقیقت قضایا را میشود و در پی یاد که او جاسوس روسهاست. در نتیجه زده و خوردی که بین آنها در میگیرد، اسفند باطنیچه او را از پای در میآورد.

در ضمن چون آنا در پی یاد که این جاسوس همان افسر آفریشی دروغی بوده که در اطاق شماره ۱۴ مشنک داشته و وسیله قتل خواهرش میرو و لویزا در خون خود غوطه ور میبندد برای آنکه اشکان از هر نوع سوء ظن اری رها کند، آنا تصمیم میگیرد در شهر باقی ماند و لذا افسر آفریشی بکوه تنها به نیروی خود می پیوندد و در فرمانده را از حقیقت امر آگاه میسازد و در نتیجه نقشه حمله عوض میشود.

کوبرین بهر طوری هست خرد را ببرد افسران روسی میسراند و از خیانتی که شده آنها را آگاه میسازد. آنا که جان اشکان را در معرض خطر می بیند، خود را قاتل معرفی میکند و لذا اقرار میشود صبح روز بعد او را تراباران نمایند؛ اما پیش از آنکه این دستور اجرا گردد نیروی آفریش وارد شهر سوها شده و اشکان محبوب خود آنا را نجات میدهد. (ش)

مشاهدات من در یوگوسلاوی

با هوا یاما

با هوا یاما، دوستان، سمیت یوگوسلاوی پرواز کرده و پس از چهار دقیقه خاک مجارستان را زیر پا گذاشته؛ وارد سرزمین سرستان شدیم در گوش خلبان گفت: «یوگوسلاوی چگونه جایی است؟ خلبان قدری سرش را بطرف من خم کرده گفت: «یوگوسلاوی جای خوبی است.»

خاک یوگوسلاوی دنباله دشت مجارستان بود و در آن وچوب بوی ناشه آبادی هویدا بود. هوا یاما پرواز میکرد و ما از فراز مناطق کشاورزی که در میان توده انبوه درختان پنهان شده بود میگذشتیم. در کنار هر قلعه و محانی یک آسیای بادی با آبی دیده میشد در ارتفاع ۱۵۰۰ متر پرواز میکردیم.

زمزمه در بلگراد

همیشه به «بلگراد» رسیدیم، از گوشه و کنار زمزمه اوضاع تازه دنبالند بود مسلم است که معالاف رسمی همیشه سکوت اختیار می کنند زمانه داران یوگوسلاوی توجه خود را معطوف بامور اقتصادی و مالی کرده و زیاد بپاوشد احساسات نیستند. وقتی کشوری مانند یوگوسلاوی در میان ۱۵ میلیون جمعیت خود ۱۳ میلیون بزرگ دارد، تنها هفتش این است که نخست کشم بکار و بعد محصول خود را فوراً بفروش برساند.

بویژه آنکه در اثر بروز وقایع اخیر بهای مواد اولیه ترقی کرده و مشتری های خوبی پیدا شده است. صحبت مردم یوگوسلاوی بسیار ساده و روشن است؛ ولی انسان ابتدای شنیدن عقاید آن ها دچار شکفتی میگردد. کسی که طرف صحبت من بود برای رفع هر گونه شبهه برای من توضیح میداد و میگفت: «آقای من! مردم هر کشوری قبل از همه چیز مطالبه حق حیات رای ندارند و حق حیات را بر تمام حقوق اجتماعی و سیاسی و غیره مقدم می دارند.»

دوستی با همه...

یوگوسلاوی و مردم و زمانه داران آن عادت ندارند در اطراف هر مسئله جزئی، سروصدا راه بیندازند. هنگامیکه «آلکساندر» پادشاه سابق این کشور از دنیا رفت، یوگوسلاوی وضع خوبی نداشت. زمانه داران کنونی فوراً بفکر اصلاح وضعیت افتاده، ابتدا با همسایگان خود طرح دوستی ریختند.

امروز یوگوسلاوی و بلغارستان روابط خوبی دارند. روابط آن کشور با ایتالیا هم خوب است.

از این دو سمت خیال سرستان راحت شده است. دوی آذربایک که بین یوگوسلاوی و ایتالیا قرار دارد این دو کشور را بهم نزدیک میکند و در

صورتی که در سازمان گذشته موجب جدایی بود. خاک آلبانی هم امروز در دینف همسایگان دوستان یوگوسلاوی است زیرا در دست دولت ایتالیایی باشد

هلت بر دبار

مخاطب من صحبت خود را ادامه داده گفت وضع جغرافیائی سرستان طوری است که این کشور همواره در سر راه قرار گرفته و از این رو ملت آن صبور و سرباز و بردبار آمده است. یک ملت سرباز برای حفظ شرافت خود چنانکه شایسته است قدم برخواهد داشت. اما مسئله مهم برای یوگوسلاوی همان مسئله اقتصادی است. یوگوسلاوی عمده کالای خود را باروایی پر کزی میفروشد و در عوض ماشین و اسلحه میگیرد، زیرا این کشور برای بسط صنایع سنگین خود احتیاج وافی به ماشین دارد.

فرستاده های یوگوسلاوی بن وارد های آن فرونی دارد. مزد کارگر در آنجا اضافه شده و همین دلیل محکمی بر خوبی وضع در آن گئی آن ها میباشد. یوگوسلاوی هر چه از کشاورزی بدست می آورد، میفروشد و چیزی را نگاه نمی دارد.

سخنان مخاطب من، مرا بیاد وضعیت دشواری که در دنیا پیش آمده کرده است، انداخت.

سیاست مدبرانه

یوگوسلاوی توانسته است با اتخاذ سیاست محتاط و مدبرانه ای در کردار چنگ دامن خود را از آلوده شدن باغشش بر کنار دارد و کلیم خود را از آب بیرون کشد. ضمناً کالای خود را که ترقی کرده خوب بفروش رسانده و سر پوش بر روی انقلابات داخلی خود که وقتی شروع آفاق بود، بگذارد.

نایب السلطنه این کشور مانند «هوتی» نایب السلطنه مجارستان بغویی با رموز سیاست آشنا شده و بی وقت وزیران را عوض و بدل کرده و تعادل سیاسی کشور را محفوظ میدارد، در چند کیلومتری بلگراد در روی تپه ای که بنام «آولا» خوانده میشود، بنای با عظمتی از گرانیت سیاه بیاد سرباز گنام برپا شده است.

من بهرامی رئیس باشگاه هوا ییمائی صربستانی و یک نفر خلبان سویی برای تماشای آن رفته بودم تا مگر کسی از غوغای که اوضاع دنیا در میان مردم برپا کرده بر کنار باشم، باید بگویم که در اینجا هم مانند همه جا هر کس کوفی بالاخره بصحبت از اوضاع جنگ میکشد. در روی این تپه دور نمای شهر بغویی هویدا بود.

از «ژورنال دوژنو»

مقدار	در دست آبی رنگ
خاکه قند خیلی نرم	۵۰ گرم
اسید ستریک نرم	۳
جوهر لیوتروش	۵ قطره
در بسته سفید	
چوب شیرین	۲ گرم
برای استعمال و بکار بردن گرد لیوناد	
قد و اسید ستریک را در آب حل کرده و پس از حل شدن، چوب شیرین را با آن اضافه نموده در بطری بریزید و در آنرا محکم ببندید و خوب تکان دهید.	
پس از چند دقیقه لیوناد خوش طعم گلزار دار	
ساخت خود را از هر حیث برای مصرف آماده است و مطمئن خواهید بود که دیگر در ساخت و تهیه آن تقلبی نشده است.	

نویسنده: بازیل تازر

اسرار جنگل

بخش پنجم

۱۸-

خانم «بلیک مور» پرسید: «آندرو روحانی در کدام کشور زندگی میکند؟»

«در همین کشور ما و عجیب تر از همه این که موطن وی در نزدیکی همین شهرستان جی در «هرفورد شایر» بود. من فراموش کردم این نکته را قبل بشما خاطر نشان کنم زیرا نکته جالب توجه همین است که این قضیه در نزدیکی همین محل روی داده است.»

آن سه نفر بیکدیگر نگریسته، گویی خیال واحدی از فکر هر سه شان میگذاشت؛ ولی هیچکدام چیزی نگفتند. «لانیچتر» مثل آنکه با خود حرف میزد گفت: «عجیب و کنه...»

خانم «بلیک مور» گفت: «خیلی بعید بنظر میرسد که دوتا از اینگونه مجسمه ها که بنا بگفته لزل کیبای می باشند، در نزدیکی یکدیگر واقع شده باشند!»

«من شخصاً متقدم که آن یکی که اخیراً پیدا شده بایستی همان باشد که در باره آن برای شما سخن گفتم. هر چند من نمیدانم این مجسمه چطور و از کجا در جنگل افتاده ولی بعید نیست آنچه راجع بوجود ارواح در آن جنگل میگویند صحیح باشد...»

این موضوع مدتی دنباله پیدا کرد ولی داستان «دشنام» تاثیر خود را بخشیده بود و همه جدا از آن صحبت میداشتند. هیچیک از آن سه نفر نمیخواستند اعتراف کنند که عقیده باوراهم و غرافات دارند؛ محذره...

از کتاب «سوسیته اکلوسا کسون» چاپ پاریس

مستعمرات انگلیس

وضع جغرافیائی و سیاسی و اقتصادی آن ها

امپراتوری هند

دهند این بود که در ۱۹۰۹ لرد «مین تو» نایب السلطنه و لرد مرلی وزیر هندوستان پیشنهادی تهیه نموده از تصویب مجلس گذرانند و بموجب آن قرار شد که بومیان نیز حق شرکت در شورا های حکومتی داشته باشند ولی نباید در هر شورا عمده کارمندان بومی از عمده کارمندان انگلیسی بیشتر باشد البته بدین ترتیب انگلیسها در اتخاذ تصمیم اختیار کامل داشتند ولی ملت دهند نیز بوسیله نمایندگان خود میتواند در شورا های حکومتی و همچنین در شورا های حکومتی اعلام نموده و خاطر نشان عمل دولت نماید.

در ۱۹۱۲ پایتخت دند از کلکنه که شهری کاملاً بازرگانی است به دلی که پایتخت قدیم سلسله کوریکان بوده و در دره کلکن واقع است انتقال یافت و این عمل در حقیقت تجلی بود که از تاریخ دند و سابق استقلال این کشور بعمل آمد.

دند در جنگ بین الملل بوجه شایانی شرکت کرد و یک میلیون سرباز و چندین میلیون پولی با اختیار متحدین گذاشت و در کنفرانس شرکت نموده ذیل همان را امضا نمود ولی این ترتیب مسلمان دند را بواسطه شرایطی که برتر کیه شده بود رنجاند.

بعد از جنگ دولت انگلیس صلاح دید که در اوضاع اداری و سیاسی دند تجدید نظری نموده باین کشور آزادی بیشتری دهد. برای انجام منظور مزبور لرد موتاک وزیر هندوستان و نایب السلطنه دند لرد شلمس فرید در ۱۹۱۹ طرحی تهیه نموده و تقدیم پارلمان انگلیس نمودند و بنابر قانون نامبرده هندوستان دارای یک قسم رژیم مشروطه شده و مجلس شورای بید امیکرد.

از شورش و تصویب این قانون قرار شد که در مقابل حکومت که شورا های دولتی بانی و سه نماینده که بیست نفر آنها را حکومت هند تعیین و سیزده نفر دیگر از طرف مردم انتخاب می شود تشکیل گردیده و نیز یک مجلس شورای تاسیس کرد که صد و سه نفر از نمایندگان آن را مردم و چهل و سه نفر را دولت انتخاب نمایند.

در هر یک از شهرستانها نیز یک هیئت قضائی که اعضای آن از طرف مردم انتخاب میشود تشکیل یافت و کارهای هر شهرستان بدو قسم تقسیم کرد که یک قسم آن که بویژه کار های پیشه و سیاسی و غیره باشد تحت اختیار مطلق حکمران بوده و هیئت قضائی را در آنها هیچگونه دخالتی نیست.

ولی نسبت به قسمت دیگران حکمران و مامورین مربوطه، شول هیئت شورای شهرستان میباشد بدین ترتیب حکمران هر شهرستان در قسمتی از وظایف خویش مختار و مطلق العنان است و در قسمت دیگر از قبیل امور فرهنگی، بهداشت، کشاورزی و فوائد عامه و غیره مسئول شورای شهرستان ولی حکومت دند موضوع آبیاری را از زمره کارهای مزبور مستثنی دانسته زیرا برای آن اهمیت بیش از آن قائل است که آنرا موکول بتقسیم و اقدامات شورای شهرستان نماید.

روح این رژیم و هدف مقررات جدید بنابر آنچه که از گزارش ها و صورت مجالس و نظقیهای زمانه داران وقت میتوان بدست آورد این بوده است که دولت انگلیس میخواست هندوستان را بر روی بطرز کار و اسلوب کشاورزی آشنا سازد

املاک رسیده بود، لرد نامبرده معتقد شده بود که در آن خانه یک زیر زمین مخفی وجود دارد و به همین جهت احتمال میداد افسانه ای که راجع بوجود تولد در آن خانه شیوع یافته چندان از حقیقت دور باشد، بنابر این لرد «لانیچتر» با «دشنام» چندین روز با کشف و تجسس در داخل و خارج آن خانه پرداخت و «ایرن مایو» که چندین بار در آن خانه مانده بود، بیوسته آن ها را با استقامت و پایداری در جستجو، تحریص و ترغیب نموده بود.

وی میگفت: «من بارها از لایان و نوکرش «چک» شنیده ام که در این خانه اطاق مرموزی وجود دارد.»

از همین جهت خانم «بلیک مور» بکروز نزد «لانیچتر» آمده گفت: «بگذار من بیام و بشما کمک کنم، زیرا تصور میکنم که بتوانم راه بان زیر زمین مرموز بیرم. مرد ها مثل زن ها قدرت و هوش نفوس و کنجکاری ندارند.»

«لانیچتر» جواب داد: «بسیار خوب، هر روزی میل داری بیا، ولی بتو اطمینان میدهم که اگر ما توانیم چیزی کشف کنیم، شما بطور قطع و یقین از عهدت برخواهید آمد. بکروز برای صرف ناهار بدانجا بیا تا بعد از ظهر بچستجو بپردازیم. ما تمام سوراخ ها و دیوار ها را دست زده جستجو کرده ایم و حتی در بعضی جاها کف اطاق ها را شکافته ایم ولی چه سود که چیزی از اینهمه کاوش و جستجو بدست نیآورده ایم. من از این رو متقدم که فرضاً یک چنین چیزی هم موجود باشد، مانی توانیم بدان دست یابیم.»

«تو میگوئی آن دختر که نامش گویا ایرن می باشد معتقد است که چنین زیر زمینی وجود دارد. اگر چنین است چرا او را نمیاوری که در این جستجو و کاوش ما یاری کند؟»

اگر او را بیاوری فرصتی بدست من می افتد که شما او را ملاقات کنم و بعداً عقیده خود را درباره او بشما بگویم.»

اتفاقاً چند روز بعد هر چهار نفر در «هرتون هاوس» گرد آمدند یعنی در همان اطاقی که «لانیچتر» به «لایان» حمله کرده

دو مین جنگ بزرگ قرن بیستم

دوست سال آشوب

۱۹۳۹-۱۹۱۹

بخش چهارم: چهار گوشه اروپا و اوضاع سیاسی آنها

دربای آزاد دارد بهتر است سالتونیک را به صربستان و اگذار کنند. یونانیها هم اظهار میداشتند که سالتونیک اساساً یونانی بوده و شهرستان های عقب آنهم نیز باید یونان داده شود. بلغارها هم ادعا میکردند مقدونیه قرنبا قسمتهای از کشور بلغارستان بوده و از حیث نژاد هم با بلغارها از یک دسته اند.

بلغارها زبان آنها هم تقریباً ملی است گذشته از آن در جنگ با ترکیه، بلغارها بیش از دو متعهد خود تلفات داده بودند، زیرا در اثر موقعیت جغرافیائی خود با عدم قوای ترکیه مصادف شدند و حقیقتاً اگر بلغارها نبودند، جلوی ترکهارا مشکل بود بتوان گرفت. با این حال موقعیکه بلغارها رو با خاور و بسمت قسطنطنیه هجوم میاورند، یونانیها و صربها با دل فارغ بتقسیم مقدونیه مشغول شدند و قسمت مهمی از آنجا را اشغال کردند.

پس از شکست ترکها هم ابتدا خیال آنرا نداشتند که از جای خود سرکشت کنند در نتیجه بلغارستان بر علیه متحدین خود شروع بهنگ کرد و چون رومانی هم از سمت شمال بان کشور حمله کرده بود، بسرعت بلغارستان مغلوب گشت. قسمت اعظم مقدونیه را صربستان گرفت و شهرستان های جنوب یونان نیز مقدونیه افزود و ملی هم بلغارستان بسیار ناچیز بود. از این تاریخ بعد بلغارها خود را از اتحاد با تمام کشور های بالکان کنار کشیدند و منتظر فرصت بودند که انتقام خود را باز گیرند.

در اینجا است که اشاره بمسئله مقدونیه اهمیت این ناحیه گنار را ثابت میکند. در جنگ بین الملل همین مقدونیه ناچیز که از حیث ثروت طبیعی ابتدا اهمیت ندارد، سبب گشته شدن یک کرور سرباز انگلیسی و ناصی کردن یک میلیون دیگر شد، زیرا جنگ را یکی دوسال طول داد.

شرح واقعه این است که در ۱۹۱۴ انگلستان با آلمان و اتریش و مجارستان و عثمانی در جنگ بود؛ دولت عثمانی ضعیف ترین عضو این اتحاد بود و خارج کردن او از میدان کارزار خیلی آسان بنظر میرسید، زیرا اسلحه و مهمات کافی در داخله کشور تهیه نشده و اگر انگلیسها موفق بیستن رارسیدن اسلحه از آلمان میشدند، در مدت کمی کار عثمانی را میساختند و در نتیجه دارا دل باز میشد و متفقین می توانستند از این موضوع دو نتیجه بسیار مهم بگیرند: یکی آنکه بدولت روسیه که در آن موقع از حیث تجهیزات خیلی ضعیف بود و سخت تحت فشار آلمانها قرار گرفته بود، اسلحه و مهمات و کمک برسانند و دیگر آنکه از جبهه تازه ای بادل مرکزی وارد جنگ شوند.

روزی بعد «لایان» و نوکرش «چیک» در صدد برآمدند او را بوسیله سم کور کنند. ناهار تمام شد و جستجو از نو آغاز گردید. ناگهان خانم «بلیک مور» توجه همگان را بخود جلب نموده گفت خواهش میکنم مرا بان اطاقی که قبل از ظهر در آن بودیم ببرید. در آن جا دیوار ها را طوری ساخته اند که مثل قفسه کتابخانه بنظر میرسد. من فکری بخاطرم رسیده است.

همگی از جا برخاسته شروع بنمایند قفسه کتابها نموده و با کمک ذره بین آنجا را مورد جستجو و باز جویی قرار دادند. خانم «بلیک مور» را بانها نموده پرسید: «شما بوی بشارت نامیرسد من بوی غریبی استشمام میکنم، شما چطور؟»

هیچکدام چیزی از این بواحساس نکرده بودند. باز خانم «بلیک مور» رو بدانها نموده گفت: «من شخصاً متقدم که یک بخار بایوی متفقین از این اطاق بلند میشود و بشام من میرسد، ماداموازل مایو تو چطور؟»

«ایرن» سر تکان داده گفت: «خیر، من چیزی نمی شنوم.»

«لانیچتر» با تعجب سؤال کرد: «آخر چه بوی؟» خانم «بلیک مور» گفت: «نمیدانم، مثل بوی لاش گندیده است!»

«بیمارهای کشوری که شما کار آگاهی باشید! ماداموازل مایو، بیا اینجا.»

اینطرف و آنطرف شروع بچستجو کردند. «ایرن» ناگهان ایستاده گفت: «آری، من نیز بوی بشام من میرسد. چه غریبی است!»

موقعیکه اینطرف را میزد، نزدیک یک ردیف کدب جلد قرمز با جیریکه شباهت بکتابهای قرمز داشت، ایستاده بود. «لرد لانیچتر» با «دشنام» خود را بدو نزدیک ساختند، مردان نیز تصدیق کردند که حالا بوی غریبی میشوند؛ ولی نمیدانستند این چه بوی است که بشامان میرسد!

مصاب و بد بختی هائی که پشت سرهم اتفاق افتاد ثابت کرد که برای این عقیده یا تصور، یعنی شوم بودن مجسمه، دلیلی موجود است و این عقیده بدون جهت تولید نشده است.

یکی از آن سه نفر بخاطر آورد که چند سال پیش در نزدیکی عمارت قدیمی که از سمت شمال ساخته شده چسبی پیدا شد. روز پیش هم بیچاره بوستاس بدنا وضع جان داد...

باز چند هفته بعد اتفاقی افتاد که نه شک و تردید را نسبت بصورتات مشترکشان از ذهن آنها خارج میکرد و آنگونه که اظهار می کردند و خود مدعی بودند یعنی اعتقادی آنها را باوراهم و خرافات تأیید می نمود.

اتفاقی که در بالادان اشاره شده عبارت بود از طوفان سهمگینی که بکروز و یکشب در «رکین» دوام داشت و درخت های کهن سال و قطور را از بیخ و بن برکنده و سبب طغیان رودخانه ها و جویبار ها و تهرها گردید، بطوری که فرستگها اراضی بایر یا دایر و خانه های شهر و دهات در معرض سیل بنیان کن واقع شد، حتی برجهای و باروها و یغاری کارخانه ها را که سر بفلک برافراشته بودند با خاک یکسان ساخت.

بخش ششم

با آنکه کار گزاران املاک به «لایان» اطلاع داده بودند که «هرتون هاوس» بفروش رسیده و دیگر اجاره آن تجدید نخواهد شد، معذک و حتی در صدد برآمدند او را وادار بتخلیه خانه کنند دچار مشکلاتی شدند. باینهمه که هر دهمه برای تخلیه خانه بدر مراجعه کردند، بهانه ای تراشید و عذری آورد تا آنکه بالاخره مجبور شدند او را بانهید و ادار بتخلیه نمایند. ولی بالاخره از دست او خلاص شدند و پس از رفتن او «لرد لانیچتر» آمد و خانه را بصرف در آورد.

از سخنانی که بکوش «لرد لانیچتر» بویژه از ناحیه کار گزاران

خبرهای خارج

خبرگزاری پارس

چهار فیه ہستم آبان ۱۳۱۹

کشتی حرکت کردند و آسی نوونی باز کشته
و چهار باب آتش را بر آن افکندند . بابها
ترکید و چندین تن کشته شدند و چند کرجی
بجانب نیز آتش گرفته و از حیر استواء افتاد

۱۶ ژوئن ۱۹۷۶ کثیر گزارش زیرین را از خبرگزاری
این منتشر کرده اند:

وزیر بهداری بنظور جلو-پیری از
از توسط طاعون که در شمال منچوری شیوع

اطلاعات اضافی بدست آمده. در لندن یونان
در ناحیه (کنستانتین) که به‌بهای بزرگی با
ریخته شده چندین حریق بزرگی و حریق‌های
کوچک برپا شده است. در (لیورپول) هم
دو بار کشته عملیات‌های شدید به‌شمار

عموی خود «ژرژ» پادشاه یونان این نکته را گوشزد نمایم. در این جنگ ما همراه شما هستیم منظور شما همان منظور ما میباشد. ما بر علیه دشمن مشترک خود جنگ خواهیم کرد

ویشی - بعد از ظهر روز دوشنبه ژنرال وینگان نماینده مخصوص دولت فرانسه در آفریقا به همراه ژنرال بارو بی از باردید (باماکو و گامار)

یونان دررم استوارنامه خویش از دولت ایالتی
مطالبه نکرده و بنابراین هنوز ایالتی و یونان
کاملاً داخل جنگ نشده اند. آلمانیهای ساکن
آلبن به‌طور معمول مشغول کار خود میباشند
و از طرفی، مأموران آلمانی به‌طور کلی، قتل

از خاک یونان خارج شوند زیرا در مناسبات
یونان و آلمان هیچ تغییری حاصل نشده است.

تلفراف های نمایندگان اداره

از شهرستانها

سختگرانی آقای اورنگ اراک ۷ آبان

ساعت سه بعد از ظهر روز ۵ آبان آقای اورنگ باریک وارد و روز ششم آبان در سالن آریان سختگرانی نمودند بر حسب دعوتی که از طرف اداره فرهنگ شده بود روسای اداره های دولتی و جمعیت زیادی از اهالی ساعت دومین بعد از ظهر در سالن آریان بابائون خود حضور بهم رسانیده مجلس با سرود شاهنشاهی گشایش یافت آقای اورنگ در موضوع این که داشتن قائد توانا چه تاثیری در زندگی یک ملت دارد شروع بصحبت نموده و دو ساعت و نیم سخنرانی بطول انجامید و با امثال شیرین و جذاب منتضیات زمان و اخلاق را طوری بیان کردند که تمام مستمعین مستقیماً مقصود و منظور را درک نمودند. مجلس در ساعت ۵ بعد از ظهر با سرود سرود مهر شاه و بادهای ذات اقدس شاهنشاهی خاتمه یافت. ساعت ۹ صبح امروز آقای اورنگ بطرف قم حرکت نمودند.

نمایش - سخنرانی - موسیقی

دو جشن شب چهارم آبان

کرمانشاه ۵ - شب چهارم آبان ساعت ۷ بعد از ظهر مجلس جشن باشکوهی در سالن دبیرستان شاهپور تشکیل شده بود در این جشن آقای رئیس فرهنگ با نطق ميسوطی در اطراف استعداد افراد ایرانی مجلس را کثودند و نفر از دانش آموزان در اطراف میلاد مسعود والا حضرت همایون ولائیت عهد خطاب ای خواندند سپس دانش آموزان از کست جالب توجهی دادند که سلوی آقای غانیا پیش از همه جالب واقع شد بعد خرد سالان دبستان انوری حرکات موزونی نمودند آنکه سه پرده نمایش یکی تحت عنوان «سزای نیکی بدی نیست» و دیگری مفاسد شراپخواری و سومی هوم فرب سالتوس بوسیله دانش آموزان دبیرستان انوری - پوراندخت - شاهپور داده شد که بی اندازه مؤثر واقع گردید مجلس ساعت یازده و نیم با خواندن سرود شاهنشاهی پیاپی رسید.

لاذوساعت بعد از ظهر روز چهارم آبان در پیمانه گنگ و دانش آموزان دسته دسته با پرچم های خود بوضع جالبی بر زمین ورزش حاضر شده و همو پرورهای اداره ها و معارف و محترمین و همه زیادی از اهالی بابائون ایشان نیز در زمین ورزش حضور یافته بودند منظره میدان بسی جالب بود عملیات پیشاهنگان و ورزشکاران و سرود های مهیج چنان احساسات مدعوین و جمیعت تماشاچیان را بر انگیزفته بود که با کف زدنهای ممتد عملیات آنها را استقبال می نمودند ساعت پنج و نیم بعد از ظهر مجلس با شادمانی کامل خاتمه یافت.

ایران احساسات در جشن

وشت ۵ - بر طبق دعوتی که از طرف اداره فرهنگ شهرستان رشت شده بود روز شنبه چهارم آبان از سه ساعت بعد از ظهر تیسار فرمانده لشکر و آقای فرماندار و روسای اداره های دولتی و جمیعت کثیر از معارف و محترمین شهر رشت در زمین ورزش حضور بهم رسانیده و برنامه جشن بهترین طریقی انجام و اجرا گردید موقمی که آیین برافراشتن پرچم بوسیله پیشاهنگان بعمل می آمد و سرود مهیج پرچم خوانده میشد چنان فرح و انبساطی به عموم دست داده بود که اشک مسرت از دیده ها جاری شد عملیات دختران و پسران دانش آموز و ورزشکاران بی اندازه جالب و با کف زدن ها و ابراز احساسات عمومی استقبال میشد ساعت پنج و نیم بعد از ظهر این جشن فرخنده پیاپی رسید و عموم شرکت کنندگان بادی شان زمین ورزش را ترک نمودند.

جشن چهارم آبان

در ورزشگاه سمنان

سمنان ۵ - در زمین ورزشگاه سمنان روز ۴ آبان هنگامی که برپا بود همه پیشاهنگان دانش آموزان و ورزشکاران زن و مرد اهالی اطراف میدان را احاطه نموده بودند و انتظار شروع اجرای برنامه جشن را داشتند سرودهای مهیج خوانده شد آقای خواجه نوری فرماندار شهرستان سمنان و آقای مجدالملکی بوستان رئیس دادگستری هریک سختگرانی مؤثری در اطراف پرورش مردان بزرگ و تاربخ زندگانی والا حضرت همایونی ولائیت عهد نمودند عملیات ورزشی و نمایشات جالب توجه و ورزشکاران تاثیر کمالی در روحیه عمومی نمود و مجلس جشن با ابراز احساسات عمومی پیاپی یافت.

خاموش کردن حریق

شیراز ۷ - ساعت دوازده شب ششم آبان حریق در شرکت میشن روی داد که

قضائی

تبه کاران

با کمک مؤثر توده شناخته میشوند

رسول فرزند امامعلی شهپور (شهپور) از نوابع اردبیل در تاریخ ۱۹۱۴۱۹ بوسیله اداره امنیه گزارشی داده است که در زمین های باروق از قراء نزدیک شهپور لاشه مقتولی پیدا و پس از دقت معلوم شد که لاشه «نرجه» فرزند ملا عوضعلی اهل شهپور است. گزارش فوق در تاریخ ۱۹۱۵ به داد سرا رسید و در همان روز جانشین بازرس بهرامی معاون اداری دادسرا و بزرگ شهرداری برای بازجویی در محل حاضر شدند. دهیان در بازجویی گفته است نرجه ده روز پیش از این مفقود تا دیروز که من در شهر بودم خبر آوردند که لاشه او را در زمین های باروق یافته و از روابط او با اشغاس و رفت و آمد او با دیگران اظهار بی اطلاعی نموده است ملا عوضعلی پدر مقتول هم صریحاً گفته است نرجه با قراء همجوار رفت و آمد نداشت و در این قریه هم نمیدانم با کسی رابطه داشته است یا خیر.

هنگام معاینه لاشه دیده شد که ضربات چندی به حلق و سینه و شکم و پهلوهای راست و چپ و شانه راست و بازوی چپ او وارد آمده و نرجه در این ضربات مرده است در بازجویی محلی که بلافاصله پس از اطلاع بعمل آمده بود پیش از این نتیجه بدست نیامده است تا آنکه در تاریخ ۱۹۱۹۱۹ همان ملا عوضعلی در بازپرسی حاضر و گفته است پسرم بخانه حسن فرزند عباس که اهل نمرین است و فعلاً در شهپور اقامت دارد رفت و آمد داشته ملاحظه کنید اگر ملا عوضعلی همین سابقه را روز پانزدهم فروردین داده بود چه اندازه کمک بدستگیری سریع تیه کاری و جلوگیری از معو آثار جرم مینمود ولی پیشه این بی دانشان همین است چون کار از کار گذشت افسوس کتان تازه بخشای آید آنها هم یک ترمس لروزی که مانع از بیان حقیقت میگردد. باز جانشین بازپرس محل حاضر و شروع بازجویی کرده است این باز بکی ورق بر کشته و محیط عوض شده است بیانات ضد و نقیض روستائیان از حد و حساب خارج گردیده است.

ملا عوضعلی پنهان کسی که روز اول همه چیز را نفی کرد و خود را بکی بی اطلاع قلمداد مینمود امروز دایره فکرش وسع شده علاوه بر حسن نامبرده برادرش علی و مالک قریه نصرت مقدسیان و دهیان را متهم صریحاً نموده و گفته است با تحریک نصرت مالک قریه پسرم کشته شده است.

شماره بسیاری از اهل قریه همان روز گواهی داده اند که نرجه جز بخانه حسن بجای دیگر رفت و آمد نداشته حتی این قضیه از طرف زن نرجه پیاپی بسیار ساده تایید شده است. بنابر این معلوم میشود که قضیه از اول معلوم بوده و همگی از آن اطلاع داشته اند منتها عادت زشت گوشه گیری (که خلاصه آن از جمله بن چه ۴) که ورد زبانهاست استفاده میگردد مانع از همکاری آنها با کار کتان دیگر و داد گستری برای کشف حقیقت بوده است دهیان هم قضیه را از اول میدانسته و ملا عوضعلی هم مسبوق بوده است حتی نصرت مالک قریه در بازپرسی نقل کرده که ملا عوضعلی پس از فوت پسرش باو گفته است روی قضیه را ببوشانید تا خلق منتم نشوند. به بنیید این عادت زشت تاجه اندازه بریان او و دیگران که میخواستند هر چه زودتر قضیه کشف شود تمام شده است از ملاحظه لاشه مقتول مسلم شده است که در ضربات وارده دست کم دو آلت بکار رفته است یکی بمن مانند چاقو و کارد و دیگری کرد و نوک تیز مانند نیزه یا شانه آهنگ کشاورزان بنابر این میتوان حدس زد که کینه دوفر در قتل نرجه دخالت داشته اند. حسن که اتهامش مجرز گردید دستگیر و قضیه تحت تعقیب و بازجویی است.

برائ اقدامات مجدانه مامورین ساعت ۱۸ خاموش شد و از سربا آتش باطراف جلو گیری بعمل آمد.

زیر آوار

شیراز ۷ - صبح روز ششم آبان اتومبیل دهن باری هنگامی که از کارگاه ساعتی با بار خود بیرون می آمد بدرگاز برخورد و در نتیجه ستون متصل بدرگاز خراب شد و مردی که در پای آن نشسته بود زیر آوار رفته و مجروح گردید مامورین او را به بیمارستان بردند ولی پس از یک ساعت فوت نمود اکنون موضوع مورد بازجویی است.

نمودار ورزشی بخت آزمائی



۸۴۴۲۵۰ ریل جایزه

بخت آزمائی اسب دوانی

«بدون پوچ»

بایکشاھی ممکن است صاحب پنجاه هزار ریل سرمایه شد. ۱ - پاکت های بخت آزمائی سر بسته بوده و همگی با سر چسب مخصوص باشگاه سوارکاران بسته و مهر شده است. ۲ - دیون هر پاکت بلیت اسب دوانی باورقه ای که بر روی آن بکتهای پاکت نوشته شده میباشد. ۳ - بکتهای هر ۲۲۰ پاکت از یکشاهی شروع و بترتیب یکشاهی یکشاهی تا ۱۸۰ ریل (۲۲۰ شاهی) بالا میرود. ۴ - خریدار پاکت را شخصاً کشوده بکتهای آنرا (بسته بکتهای خود) مطابق آنچه بر روی ورقه نوشته شده با عین ورقه بفروشنده رد نموده بلیت را بر میدارد. ۶ - پادشاه فروشنده در مقابل فروش هر پاکت نیم ریل میدهد. بنگاه زربخش

پاکت های بخت آزمائی بمقدار کافی زیر چاپ و بلافاصله پس از انتشار بلیت های اسب دوانی بهار (چند روز دیگر) منتشر خواهد شد. سایر تقصیلات این قسمت و شماره های برندگان بخت آزمائی و هزار شاهی و کلاه برندگان اسب دوانی بشعبه شماره مهر ماه خوانندگانیها در ظرف هفته آینده منتشر خواهد شد. آ - ۵۸۸۰

عشق و حسد، سادگی و حقیقت، سزای نیکی، همه این چیزها را

زهره

به بهترین نحوی در برابر نظر شما مجسم می سازد حیف نیست با اندکی غفلت از خواندن داستان چنین سودمند و دوست داشتنی محروم مانید. این داستان شیرین را فردا از روزنامه فروشها بیهای دوریال خریداری فرمائید. بنکاد افشاری آ - ۵۸۷۵۰

اتومبیل پاکارد هشت سیلندر

دارای رادیو و بخاری و فروش میرسد طالبین بعد از ظهرها از ۳ تا ۶ بعد از ظهر خیابان رفائیل (قوام السلطنه سابق) نمره ۴۰۱ مراجعه نمایند. آ - ۵۸۷۸۰

سر آمد تیغ های جهان تیغ نمره ۵ است

آ - ۵۷۹۰۰

یک بر نامه نو و دیدنی در هنرستان

روز جمعه ۱۰ و شنبه ۱۱ آبان (عید نظیر) یک برنامه دیدنی شامل دو کمدی «لوگرو» و این هم یک جورش» و یک تابلو موزیکال مؤثر (قلب مادر) با شرکت چند نفر بازیکنانی که همیشه طرف توجه شما بوده اند (باوکیو افرو و آقایان بهرامی و سارک) با چند نوای قرع بخش از ویولون استاد خوش قریحه آقای فروتن به عرض نمایش گذاشته خواهد شد. آ - ۵۸۸۱۰

مجلس مشاوره طبیبی

با حضور آقایان دکتر لسان شمس - دکتر محمد علاء - دکتر حمید آهی - دکتر رفیع امین - دکتر یونس افروخته همه هفته روزهای شنبه سه ساعت بعد از ظهر در محفل آقای دکتر امین (چهار راه سید علی خیابان کاشف السلطنه تلفن ۴۵۷۵) دایر است. برای تعیین وقت قبلاً بنشانی نامبرده مراجعه نمایند. آ - ۵۳۷۴۰

آگهی قابل توجه

برای خرید و فروش دانه ها و روغن های نباتی از قبیل کرچک - بزرگ - منداب - خشخاش - زیتون - الیف - کنجد - بادام - هسته قطران - تجارتخانه ابراهیم صادقیان مقیم سرای جواهری (مقابل بانک ملی بازار) تلفن ۵۴۷۸ مراجعه فرمائید. آ - ۵۷۸۴۰

فروش هیبرید

خانه چهار طبقه واقع در کوچه برلن که سه هزار ریل در اجاره یکی از ادارات دولتی است برای فروش حاضر است خواستاران تلفن ۸۴۵۷ ویا مقارنه معاد در خیابان رفاهی مراجعه فرمائید. آ - ۵۶۵۸۰

باکمال تأسف خبر وفات خلد مقام آقای محمد رضا ایروانی

مستشار دیوان عالی کشور را با اطلاع عموم میرساند مجلس تذکر روز پنجشنبه نهم آبان سه ساعت قبل از ظهر در مسجد مجد منعقد است. نصر الله تقوی

مجلس دیگری در همان روز در منزل آن مرحوم واقع در خیابان بوذرجمهری کوچه طباطبائی دائر میباشد. محمد رشاد - علی غروی - جعفر غروی آ - ۵۸۷۳۰

مرحوم محمد رضا ایروانی از مردان دانشمند و فاضل و از خدمتگزاران صدیق دولت شمار می رفتند و سوابق فقید سید پیوسته در امور قضائی کشور بوده است.

فوت ایشان باعث تأثر و تأسف عموم دوستان و آشنایان آن مرحوم گردیده و ما بموم بازمانده کان آن مرحوم بویژه آقای محمد رشاد و آقایان علی غروی و جعفر غروی و سید محمد باقر ایروانی - و آقای سید ابوالقاسم طبیبی تسلیت نمیدهم.

در گذشت شادروان آقای رضا بازوکی موجب تأثر و تألم کلیه دوستان و آشنایان بخصوص دانش آموزانیکه از معلومات ایشان استفاده میکردند گردیده است اینک بافلی ملو از هنر کلیه دانش آموزان اینو اقامه تأسف آور و بخا نوده محترم بازوکی تسلیت میدهند.

از طرف دانش آموزان سال سوم متوسطه دبیرستان لاله (اسم به بانوان سابق) آ - ۵۸۷۱۰

آگهی رسمی

طبق نامه شماره ۱۲۶۸ مورخه ۱۹۱۸ و صورت جلسه مجمع همگانی فوق العاده مورخه اول خرداد ۱۳۱۹ که از طرف شرکت سهامی بلور رسیده سرمایه شرکت در نتیجه انتقال کلیه دارائی شرکت سهامی بلور سازی از مبلغ ده میلیون ریل بیست میلیون ریل ترقی یافته است و نیز طبق نامه شماره ۱۲۶۹ مورخه ۱۹۱۸ حق امضاء کلیه اوراق و اسناد شرکت با دو نفر از آقایان عبدالحمید نیکپور حاج محمد حسین رحیم زاده بلور فروشان و حاج ابو القاسم بلورچی متفقاً و یابگی از آقایان نامبرده باتفاق یکی از آقایان سیف الله مشگریز - اسماعیل نیکپور و اکبر بلور فروشان امضاء خواهند نمود.

نهران مورخه ۸ ابانها ۱۳۱۹

رئیس دایره ثبت شرکتها و علائم تجارتي و اختراعات محمد احسانی آ - ۵۸۱۸۰

آگهی رسمی

شرکت سهامی بلور سازی که بشماره ۵۶۶ در دفتر ثبت شرکت های داخلی به ثبت رسیده طبق نامه شماره ۱۲۶۸ مورخه ۱۹۱۸ در نتیجه انتقال دارائی آن شرکت سهامی بلور برچیده شده است و تصفیه امور شرکت نامبرده با شرکت سهامی بلور میباشد تهران مورخه ۸ آبانها ۱۳۱۹ رئیس دایره ثبت شرکتها و علائم تجارتي و اختراعات - محمد احسانی آ - ۵۷۹۸۰

آگهی

از تاریخ ۲۰ مهرماه ۱۳۱۹ در یک شهر از انواع زاهدان علاوه بر دفتر تلگراف دفترست نیز تاسیس و مرسولات بستی در آن هفته پذیرفته خواهد شد. شماره ۲۱۰۳۸۷۴۰ وزارت پست و تلگراف و تلفن آ - ۵۸۸۴۰

میزان درجه حرارت	از ظهر دیروز تا ظهر امروز
ظهدیروز	۲۱ درجه بالای صفر
شش بعد از ظهر	۱۶
صف شب	۱۱
شش صبح امروز	۱۱
ظهر امروز	۲۰

بست هائی که پنجشنبه (فردا) حرکت میکنند
شیران - کن - شهر ری (حضرت عبدالعظیم) - اصفهان - فارس - کرمان - کاشان - مازندران - همدان - نیلان - یسران - کرمانشاه - آذربایجان شرقی و غربی - مکران - یزد - اراک - خوزستان - کرگان خارجه زمینی - عراق عرب

ورود و خروج

قطار مسافری
روز پنجشنبه فردا
اهواز: ورود تهران ساعت هجده و ۲۶ دقیقه
اهواز: حرکت از تهران ساعت یست و ۴۲ دقیقه

سمنان: ورود تهران ساعت هفده و ۲۰ دقیقه
قزوین: حرکت از تهران ساعت هفت و نیم صبح
قزوین: ورود تهران ساعت ۱۹ و ۲۲ دقیقه

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: عباس مسعودی
عنوان تلگرافی: تهران اطلاعات
جای اداره خیابان خیام
تلفن اداره: ۶۶۷۷-۶۶۲۴-۵۵۷۹
منزل مدیر ۷۳۴
بهای اشتراک

تهران	۱۴۰	۷۵	۴۰
شهرستانها	۱۵۰	۸۰	۴۵
خارجه	۲۴	۱۲۵	۶۵
بهای آگهی ها			
صفحه ۶ سطر	۲	ریال	
صفحه ۷ سطر	۳	ریال	
صفحه ۸ و ۹ سطر	۴	ریال	

چاپخانه شرکت سهامی چاپ

سینما ایران - فیلم جنگی و جاسوسی
او زمان جنگ خوب بین الملل مهمانخانه امیرالباشرک ایروان وری میلاندا نطق فرانسه

سینما دیده بان (ماباک) بزرگترین شاهکار سراسر موزیکال کارخانه معظم نو کس فیلم بنام ارکستر الکساندر باشرک سه هنر پیشه معیوب و نای ستارگان درخشان صحنه سینما آلیس فی - تیون پاور - «دون آمج»

سینماهای - یک شاهکار حقیقی از جنگ وحشت آور مهیب روس و فنلاند در ۱۹۳۹ فیلمیکه در مدت دو ساعت نمایش آن انسان خود را درجه چنگ دانسته و از خود بکی بی خبر است چنگ روس و فنلاند ناطق زبان روسی

سینما میهن - برنامه روز و شب فیلم با عظمتی که دو سال تمام تهیه آن بطول انجامیده فراتر از ان باشرک قهرمان شتا و برش چوینی و سه ولر روزها ورود کودکان آزاد است

سینما جهان - با دستک آبارات نو شاهکار تمام رنگی روبن هود باشرک ارول ولین والیاد و هوا بیلان و بایلز راتون و ورود کودکان بعد از ظهر آزاد

سینما تهران - فیلم موزیکال روسی (روسلا و لودمیلا) برای نخستین بار در ایران باشرک استولیا وروف و «کلاروا» علاوه بر برنامه نمایش تابلو ها کالری «ترتیا کوف»

سینمای فردوسی - یک فیلم تاریخی از اول تا آخر - یک خونین بنام کنزوتوری باشرک لومی ترنگر.

سینما روشن - فیلم جنگ خوب بین تاریخی بین انگلیس و فرانسه موسوم به کادان بلوت آرتیست معروف ارول تیلین

سینما خورشید - بزرگترین سریال بی نظیر درباره در کانه ای زرب باشرک جون ماک براتون - ایلی آنورس جاس (سری و م)